

نشریه علمی فقه، حقوق و علوم جزا
مقاله پژوهشی، سال نهم، شماره ۳۵، بهار ۱۴۰۴، صفحات ۲۲ تا ۴۰
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۳۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۳

نقش شهادت در عقد ازدواج از منظر فقه حنفی و قانون مدنی افغانستان

| محمد بصیر عارفی* | عضو کادر علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه بلخ.

چکیده

شهادت یکی از ارکان مهم در عقد ازدواج است که بر اساس آن اعتبار و مشروعیت عقد تأیید می‌شود. این تحقیق به بررسی نقش شهادت در عقد ازدواج از دو منظر فقه حنفی و قانون مدنی پرداخته و تطابق یا تفاوت میان این دو نظام حقوقی را تحلیل می‌کند.

هدف این تحقیق ارائه یک تحلیل مقایسه‌ای دقیق میان احکام فقهی و مقررات حقوقی است تا بتواند راهکاری عملی برای رفع تعارضات احتمالی میان دو سیستم ارائه دهد. همچنین این تحقیق نشان می‌دهد که نقش شهادت در عقد ازدواج نه تنها از جنبه حقوقی، بلکه از منظر اجتماعی نیز حائز اهمیت است؛ زیرا وجود شاهدان می‌تواند به عنوان تضمینی برای حفظ حقوق طرفین عقد و جلوگیری از بروز اختلافات عمل کند.

این مقاله با استفاده از روش تحلیلی-تطبیقی و بررسی منابع اصلی فقهی و مواد قانونی، به تبیین جایگاه شهادت در عقد ازدواج می‌پردازد. در این مقاله ابتدا مفهوم شهادت در عقد ازدواج تعریف شده و اهمیت آن از منظر فقه حنفی مورد بررسی قرار گرفته است. سپس مواد مربوط به شهادت در عقد ازدواج در قانون مدنی تحلیل شده و تفاوت‌ها و تشابهات آن با احکام فقهی بررسی می‌شود.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که فقه حنفی بر لزوم حضور شاهدان تأکید بیشتری دارد و عدم حضور آن‌ها می‌تواند موجب بطلان عقد گردد، در حالی که قانون مدنی در شرایط خاص، جایگزین‌هایی برای این قاعده پیش‌بینی کرده است.

واژگان کلیدی: شهادت، عقد ازدواج، فقه حنفی، قانون مدنی، حقوق خانواده، تطبیق حقوقی.

مقدمه

ازدواج به عنوان یکی از اساسی‌ترین نهادهای اجتماعی و حقوقی در هر جامعه، اهمیت ویژه‌ای دارد. این نهاد نه تنها به برقراری رابطه میان دو فرد و ایجاد خانواده منجر می‌شود، بلکه پایه‌ای برای توسعه اجتماعی و فرهنگی نیز به شمار می‌آید. در نظام‌های حقوقی اسلامی، از جمله فقه حنفی و قانون مدنی افغانستان، عقد ازدواج یک قرارداد حقوقی و شرعی محسوب می‌شود که تحت ضوابط و شرایط خاص منعقد می‌گردد. یکی از این شرایط که در هر دو نظام حقوقی مورد توجه قرار گرفته است، حضور شاهدان در حین عقد ازدواج است. شهادت، به عنوان ابزاری برای تثبیت حقوق و پیشگیری از مناقشات احتمالی در آینده، جایگاه ویژه‌ای دارد. این تحقیق به بررسی نقش شهادت در عقد ازدواج از دیدگاه فقه حنفی و قانون مدنی افغانستان می‌پردازد.

از منظر فقه اسلامی، حضور شاهدان عادل به عنوان یکی از ارکان صحت عقد ازدواج تلقی می‌شود. در مذهب حنفی، شهادت نه تنها برای مشروعیت عقد لازم است، بلکه به عنوان ابزاری برای اثبات عقد نزد دیگران و جلوگیری از انکار احتمالی در آینده عمل می‌کند. فقهای حنفی معتقدند که حضور دست‌کم دو شاهد عادل، بالغ، عاقل، و مسلمان برای صحت عقد ازدواج الزامی است. (میرسلیم، ۱۳۸۷: ۷۲)

در قانون مدنی افغانستان نیز مواد متعددی به نقش و اهمیت شهادت در عقد ازدواج پرداخته‌اند. ماده ۶۰ قانون مدنی افغانستان تصریح می‌کند که عقد ازدواج باید در حضور دو شاهد عادل و معتبر منعقد شود. این ماده با تأکید بر ضرورت شهادت، مشروعیت عقد را به رعایت این شرط مرتبط ساخته است. علاوه بر این، ماده ۶۲ قانون مدنی به شرایط شاهدان پرداخته و آن‌ها را به عنوان افرادی بالغ، عاقل، مسلمان، و دارای حسن شهرت معرفی می‌کند. این مواد نشان می‌دهند که قانون‌گذار افغانستان، با الهام از فقه اسلامی، بر اهمیت شهادت در عقد ازدواج تأکید دارد و آن را شرطی غیرقابل اغماض می‌داند.

نقش شهادت در عقد ازدواج تنها به بُعد حقوقی محدود نمی‌شود، بلکه دارای ابعاد اجتماعی و اخلاقی نیز هست. حضور شاهدان در زمان انعقاد عقد، اعتماد و اطمینان میان طرفین و خانواده‌های آنان را تقویت می‌کند و از بروز اختلافات احتمالی در آینده جلوگیری می‌نماید. علاوه بر این، شهادت می‌تواند به عنوان عاملی برای حفاظت از حقوق زنان عمل کند؛ زیرا در مواردی که یکی از طرفین عقد از انجام تعهدات خود سر باز زند، شهادت شاهدان می‌تواند به عنوان دلیلی محکم در دادگاه مطرح شود. (خراسانی، ۱۳۹۱: ۱۹۰)

با این حال، میان فقه حنفی و قانون مدنی افغانستان در برخی جزئیات مرتبط با شهادت اختلافاتی وجود دارد. در فقه حنفی، عدم حضور شاهدان به طور مطلق می‌تواند موجب بطلان عقد گردد، در حالی که در قانون مدنی افغانستان، انعطاف بیشتری در این خصوص دیده می‌شود. برای مثال، ماده ۶۱ قانون مدنی تصریح می‌کند که در صورت عدم امکان حضور شاهدان، عقد می‌تواند تحت شرایط خاصی منعقد شود و سپس با تأیید مرجع قضایی معتبر گردد. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده انعطاف قانون‌گذار در مواجهه با شرایط واقعی جامعه است.

طرح مسئله

شهادت در عقد ازدواج یکی از موضوعات کلیدی در حقوق اسلامی و قوانین مدنی کشورهای اسلامی، از جمله افغانستان، به شمار می‌رود. این موضوع نه تنها به بعد حقوقی عقد ازدواج مربوط است، بلکه تأثیرات اجتماعی و فرهنگی گسترده‌ای نیز به همراه دارد. در فقه اسلامی و به ویژه فقه حنفی، شهادت به عنوان یکی از ارکان صحت عقد ازدواج تلقی می‌شود و بدون آن عقد از اعتبار ساقط خواهد بود. از سوی دیگر، قانون مدنی افغانستان، به عنوان یک نظام حقوقی مدرن‌تر، هرچند به اصول فقه اسلامی پایبند است، اما در برخی موارد با انعطاف بیشتری به موضوع نگاه می‌کند. (قادری، ۱۳۹۵: ۵۶)

مسئله دیگری که در این زمینه اهمیت دارد، تأثیر نقش شهادت بر حقوق زنان در عقد ازدواج است. در جوامعی که زنان ممکن است به دلایل مختلف از حمایت‌های حقوقی کافی برخوردار نباشند، حضور شاهدان می‌تواند به عنوان تضمینی برای حفظ حقوق آنان عمل کند. شهادت شاهدان می‌تواند در مواقعی که یکی از طرفین از تعهدات خود سر باز می‌زند یا در صورت بروز اختلافات، به عنوان مدرکی محکم در دادگاه‌ها مورد استفاده قرار گیرد. این موضوع نشان‌دهنده ارتباط مستقیم میان نقش شهادت در عقد ازدواج و تأمین عدالت اجتماعی است. (جنتی، ۱۳۹۱: ۲۰۱)

با توجه به این مسائل، تحقیق حاضر به دنبال آن است که با تحلیل تطبیقی میان فقه حنفی و قانون مدنی افغانستان، به درک بهتر از نقش شهادت در عقد ازدواج دست یابد و راهکارهایی برای تطبیق بهتر میان این دو نظام حقوقی ارائه دهد. روش تحقیق مورد استفاده در این تحقیق، روش تحلیلی-تطبیقی است که با استفاده از منابع اصلی فقهی و متون قانونی، به بررسی عمیق موضوع می‌پردازد.

سؤالات و فرضیه های تحقیق

سؤالات تحقیق

۱. این تحقیق به بررسی دقیق مسئله شهادت در عقد ازدواج از منظر فقه حنفی و قانون مدنی افغانستان پرداخته و به دنبال پاسخ‌گویی به سوالات زیر است:
۲. شهادت در عقد ازدواج از منظر فقه حنفی چه جایگاهی دارد و چه شرایطی برای آن مقرر شده است؟
۳. قانون مدنی افغانستان چگونه به مسئله شهادت در عقد ازدواج پرداخته و چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی با فقه حنفی دارد؟
۴. آیا تفاوت‌های موجود میان فقه حنفی و قانون مدنی افغانستان باعث ایجاد تعارض در اجرای عملی قوانین شده است؟

فرضیه‌های تحقیق

۱. شهادت در عقد ازدواج از منظر فقه حنفی جایگاه اساسی دارد و حضور دو شاهد عادل، بالغ، عاقل و مسلمان برای صحت عقد الزامی است.
۲. قانون مدنی افغانستان نیز بر لزوم حضور شاهدان در عقد ازدواج تأکید دارد و در این زمینه با فقه حنفی شباهت‌هایی دارد؛ با این حال، تفاوت‌هایی نیز در جزئیات شرایط شاهدان و نحوه اجرای آن‌ها مشاهده می‌شود.
۳. تفاوت‌های موجود میان فقه حنفی و قانون مدنی افغانستان در مورد شهادت در عقد ازدواج می‌تواند در برخی موارد به تعارض در اجرای عملی قوانین منجر شود؛ با این حال، این تعارضات با تفسیرهای مناسب و هماهنگی میان مراجع دینی و قانونی قابل حل هستند.

اهمیت و ضرورت تحقیق

شهادت در عقد ازدواج به‌عنوان یکی از ارکان اساسی صحت و نفوذ عقد در فقه اسلامی، به‌ویژه فقه حنفی، مطرح است. این موضوع در قانون مدنی افغانستان نیز مورد تأکید قرار گرفته است. مطالعه دقیق این موضوع می‌تواند به درک بهتر مبانی فقهی و قانونی مرتبط با عقد ازدواج کمک کند و زمینه‌ساز تحلیل‌های عمیق‌تری در حوزه حقوق خانواده باشد.

تحقیق در مورد نقش شهادت در عقد ازدواج، می‌تواند به شناسایی نقاط قوت و ضعف نظام‌های حقوقی موجود در افغانستان منجر شود. این تحقیق با مقایسه تطبیقی فقه حنفی و قانون مدنی افغانستان، می‌تواند به ارائه راهکارهایی برای بهبود و اصلاح قوانین مرتبط با خانواده کمک کند و در نهایت به تقویت نظام حقوقی کشور بیانجامد.

در جامعه معاصر افغانستان، با توجه به تغییرات اجتماعی و فرهنگی، درک صحیح از نقش شهادت در عقد ازدواج می‌تواند به کاهش اختلافات خانوادگی و حقوقی کمک کند. این آگاهی می‌تواند به تقویت نهاد خانواده، حفظ حقوق زنان و مردان در عقد ازدواج و ایجاد ثبات اجتماعی منجر شود. همچنین، با توجه به مهاجرت‌ها و تعاملات بین‌المللی، فهم دقیق این موضوع می‌تواند در حل مسائل حقوقی مرتبط با ازدواج در جوامع مسلمان مفید واقع شود. در نتیجه، تحقیق در این زمینه نه تنها به غنای علمی و فقهی می‌افزاید، بلکه می‌تواند تأثیرات مستقیمی بر بهبود وضعیت حقوقی و اجتماعی جامعه افغانستان داشته باشد.

پیشینه تحقیق

شهادت در عقد ازدواج به‌عنوان یکی از ارکان اساسی در فقه اسلامی، به‌ویژه فقه حنفی، مطرح است. این موضوع در قانون مدنی افغانستان نیز مورد توجه قرار گرفته است. در این مقاله، به بررسی جایگاه شهادت در عقد ازدواج از منظر فقه حنفی و قانون مدنی افغانستان پرداخته و تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود را تحلیل می‌کنید.

سیغانی (۱۳۹۷). حقوق فامیل (انحلال ازدواج و آثار حقوقی آن). سیغانی در این اثر به تحلیل گسترده مباحث مربوط به عقد نکاح و شرایط صحت آن پرداخته است. او به طور خاص به اهمیت شهادت در عقد ازدواج از دیدگاه فقه حنفی اشاره کرده و شهادت را به عنوان یکی از شروط اصلی برای اعتبار عقد مورد بررسی قرار داده است. سیغانی تصریح می‌کند که در فقه حنفی، حضور شاهدان عادل در زمان عقد نه تنها برای اثبات ازدواج بلکه به منظور پیشگیری از نزاع‌های احتمالی و حفاظت از حقوق طرفین ضروری است. در مقابل، نویسندگان توضیح می‌دهند که در قانون مدنی افغانستان، هر چند شهادت یکی از شرایط معتبر بودن عقد است، اما قانون به ثبت رسمی عقد به عنوان مرجع اصلی تأکید بیشتری دارد. او نتیجه می‌گیرد که نقش شهادت در قانون مدنی، به ویژه با وجود سیستم ثبت رسمی، به نوعی تکمیلی تلقی می‌شود و جایگاه آن نسبت به فقه حنفی کمی تقلیل یافته است.

محمد بصیر عارفی (۱۳۹۷). حقوق فامیل. عارفی در کتاب خود نقش شهادت در عقد نکاح را از دو منظر فقهی و حقوقی بررسی کرده است. وی تأکید دارد که در فقه حنفی، شهادت دو شاهد عادل به عنوان یکی از ارکان عقد تلقی می‌شود و نبود آن می‌تواند عقد را باطل کند. اما در قانون مدنی افغانستان، عارفی بر این باور است که شهادت بیشتر به عنوان یک ابزار اثباتی در نظر گرفته شده است تا یک شرط اساسی. نویسندگان همچنین به تداخل میان فقه و قانون اشاره می‌کند و می‌نویسد که در برخی موارد، عدم توجه به شهادت می‌تواند منجر به اختلافات حقوقی و اخلاقی شود. عارفی پیشنهاد می‌کند که با اصلاحات قانونی، جایگاه شهادت به گونه‌ای تنظیم شود که همسو با نیازهای جامعه مدرن باشد.

نظام الدین عبدالله (۱۳۹۲). حقوق فامیل. عبدالله به تحلیل مفصل ارکان عقد نکاح پرداخته و شهادت را از منظر فقه حنفی بررسی کرده است. وی توضیح می‌دهد که در این مکتب، شهادت به عنوان شرط صحت عقد شناخته می‌شود و حضور دو شاهد عادل برای قانونی بودن عقد ضروری است. عبدالله اشاره می‌کند که قانون مدنی افغانستان نیز این شرط را پذیرفته است، اما در عمل، گاهی به دلیل عدم رعایت دقیق شهادت، عقدهای ثبت نشده و غیررسمی اتفاق می‌افتد. او نتیجه می‌گیرد که اجرای دقیق شرط شهادت می‌تواند از بسیاری مشکلات حقوقی و اجتماعی در ازدواج جلوگیری کند.

محمد عبداللہی (۱۳۹۰). شهادت در فقه اسلامی و حقوق مدنی. عبداللہی به طور ویژه شهادت را در زمینه‌های مختلف حقوق اسلامی و مدنی تحلیل کرده است. او معتقد است که در فقه حنفی، شهادت دو شاهد عادل به عنوان تضمینی برای مشروعیت و رسمیت عقد نکاح ضروری است. عبداللہی در بخش مربوط به قانون مدنی افغانستان، به کاهش نسبی اهمیت شهادت در نظام قانونی اشاره کرده و تأکید می‌کند که با وجود تأکید قانون بر ثبت رسمی ازدواج، شهادت همچنان به عنوان یک ابزار حقوقی مورد استفاده قرار می‌گیرد. او پیشنهاد می‌کند که آموزش‌های حقوقی برای آگاهی از اهمیت شهادت در عقد ازدواج در جامعه تقویت شود.

عبدالقادر، عدالتخواه (۱۳۹۴). حقوق فامیل. عدالتخواه در کتاب خود بر شرایط صحت عقد نکاح و نقش شهادت در فقه حنفی و قانون مدنی افغانستان تأکید کرده است. او اشاره می‌کند که در فقه حنفی، شهادت دو شاهد عادل از شروط اساسی عقد است که بدون آن نکاح اعتبار ندارد. در قانون مدنی افغانستان، او به نقش تکمیلی شهادت در کنار ثبت رسمی عقد می‌پردازد. عدالتخواه نتیجه می‌گیرد که برای کاهش اختلافات خانوادگی و افزایش اطمینان حقوقی، نظام حقوقی باید جایگاه شهادت را در هماهنگی با نیازهای جامعه و مقتضیات زمان تقویت کند.

تعریف و مفهوم شهادت در عقد ازدواج

شهادت یک واژه عربی بوده که جمع آن شهادتات است، در لغت به معنای گواهی دادن و بیان کردن آنچه که به چشم دیده شده آمده است، خواه در آن نفع و ضرر دیگران مدنظر باشد یا خیر، خواه با الفاظ و عبارات ویژه باشد و یا خیر. در اصطلاح فقهاء عبارت است از این که شخصی به نفع یکی از اصحاب دعوی و بر ضرر دیگری با الفاظ ویژه (أشهد) از وقوع امر (محسوس) اعلام اطلاع نماید. (القیلوبي، بی تا. ۳۱۸) قانون اصول محاکمات مدنی نیز با تأسی از فقه‌های اسلامی در تعریف شهادت می‌گوید: شهادت شهود عبارت است از اخبار به حق در مجلس قضاء به لفظ اشهد. (قانون اصول محاکمات مدنی، ماده ۳۶۲، فقرة ۱).

در حقوق اسلامی، شهادت به‌عنوان یکی از ارکان مهم در تحقق و احقاق حقوق افراد شناخته می‌شود. هدف اصلی شهادت، اثبات و تضمین صحت و عدالت در انجام معاملات و عقود است. در قرآن کریم، خداوند در آیه‌ای به بیان اهمیت گواهی و شهادت می‌پردازد و می‌فرماید: ﴿وَأَشْهِدُوا ذَوَىٰ عَدْلٍ مِّنكُمْ﴾ [طلاق: ۲]. این آیه به صراحت از گواهی دو شاهد عادل در زمینه‌هایی چون طلاق و ازدواج سخن می‌گوید. در واقع، شهادت در اسلام تنها به‌عنوان یک ابزار اثباتی برای عقد ازدواج و دیگر قراردادهای مطرح نیست، بلکه به‌عنوان یکی از ارکان عدالت و نظم اجتماعی در نظر گرفته می‌شود که موجب حفظ حقوق و جلوگیری از تضییع آن‌ها می‌گردد. در خصوص عقد ازدواج، شهادت به‌عنوان یک ابزار برای ثبت و تایید وقوع عقد و نیز حاکمیت قانونی بر روابط زوجین نقش اساسی دارد. در این میان، عدم وجود شاهد یا عدم رعایت شرایط قانونی آن، می‌تواند منجر به مشکلاتی در اثبات عقد و در نهایت از دست رفتن حقوق طرفین شود. لذا، شرایط شاهدان و نقش آن‌ها در عقد ازدواج از اهمیت بالایی برخوردار است (خراسانی، ۱۳۹۱: ۱۹۲).

در فقه حنفی، شهادت به‌عنوان یکی از ارکان ضروری در عقد ازدواج در نظر گرفته می‌شود. این مذهب، همانند دیگر مذاهب اسلامی، وجود دو شاهد عادل را برای صحت عقد لازم می‌داند. طبق اصول فقه حنفی، عقد ازدواج بدون شهادت دو شاهد عادل به‌عنوان شاهد بر وقوع عقد، باطل است. این شرط از آیات قرآن کریم و احادیث پیامبر اسلام گرفته شده است. در آیه‌الکریمه ﴿وَأَشْهِدُوا ذَوَىٰ عَدْلٍ مِّنكُمْ﴾ [طلاق: ۲]. به وضوح بر اهمیت گواهی و شهادت در مسائل شرعی تأکید شده است. در این مذهب، شاهدان باید ویژگی‌هایی از جمله عدالت، بلوغ، عقل و توانایی در بیان حقیقت را داشته باشند. شرایط شاهدان در فقه حنفی به‌طور خاص مورد توجه قرار گرفته است، چرا که اعتبار شهادت در عقد ازدواج در گرو عدالت و صداقت شاهدان است. این ویژگی‌ها

باعث می‌شود که شهادت آن‌ها به‌عنوان یک وسیله معتبر برای تأیید عقد ازدواج و حقوق زوجین به شمار آید (عبداللهی، ۱۳۹۰: ۲۵۰).

در فقه حنفی، علاوه بر عدالت، ویژگی دیگری که برای شاهدان مهم است، توانایی در فهم و درک مسایل شرعی است. شاهدان باید آگاهی کافی از فرآیند عقد و تعهدات شرعی آن داشته باشند تا بتوانند گواهی صحیحی ارائه دهند. به همین دلیل، شرایط شاهدان در فقه حنفی به‌طور دقیق و مشخص بیان شده است. از آن‌جا که عقد ازدواج یک قرارداد شرعی و اجتماعی است که تأثیرات بسیاری بر زندگی فردی و اجتماعی دارد، صحت آن برای حفظ حقوق طرفین ضروری است. بنابراین، شهادت به‌عنوان یکی از ارکان عقد ازدواج در فقه حنفی، یک ابزار مهم برای اثبات صحت عقد و حفاظت از حقوق زوجین در نظر گرفته می‌شود (ابن عابدین، ۱۳۷۵: ۳۴).

در قانون مدنی افغانستان نیز، به‌طور مشابهی به اهمیت شهادت در عقد ازدواج اشاره شده است. این قانون، گواهی و شهادت دو شاهد عادل را به‌عنوان یک شرط الزامی در صحت عقد ازدواج مطرح می‌کند. طبق ماده ۷۲ قانون مدنی افغانستان، عقد ازدواج در صورتی معتبر است که دو شاهد عادل بر صحت آن گواهی دهند. این شرط در راستای اصول شرعی و فقهی اسلام قرار دارد و بر لزوم حضور شاهدان در عقد ازدواج تأکید دارد. در قانون مدنی افغانستان، شرایط شاهدان نیز مشخص شده است و آن‌ها باید دارای ویژگی‌هایی چون عقل، بلوغ، صداقت و عدالت باشند تا گواهی آن‌ها در عقد ازدواج پذیرفته شود (قانون مدنی: ۱۳۵۵: ماده ۷۲).

در این قانون، همانند فقه حنفی، برای تحقق صحت عقد ازدواج و تضمین حقوق زوجین، شهادت شاهدان اهمیت زیادی دارد. در واقع، قانون مدنی افغانستان در پی آن است که از تضييع حقوق افراد جلوگیری کرده و در عین حال نظم اجتماعی و حقوقی را حفظ کند. در این راستا، با توجه به مواد مختلف قانون مدنی افغانستان، شرایط دقیق برای شاهدان در عقد ازدواج تعیین شده است و عدم رعایت این شرایط می‌تواند موجب بطلان عقد گردد. هم‌چنین، قانون مدنی افغانستان به وضوح اشاره دارد که شهادت باید از جانب افرادی صادر شود که شرایط قانونی لازم را داشته باشند تا شاهدان بتوانند بر صحت عقد ازدواج گواهی دهند. (حیدری، ۱۳۹۳: ۱۳۰)

اهمیت حضور شهود در عقد نکاح

حضور شهود در عقد ازدواج نزد علمای اهل سنت یکی از شرایط لازم برای صحت انعقاد عقد ازدواج می‌باشد، لذا بدون موجودیت شهود عقد ازدواج صحیح نمی‌گردد. چنانچه حضرت ابن عباس (رضی الله عنه) از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و سلم) روایت نموده که چنین می‌فرماید. ترجمه: (ظالمان کسانی هستند که بدون شاهد خود شانرا نکاح می‌کنند.) (رواه ترمذی)

حضور شهود در عقد نکاح از چند جهت حائز اهمیت است:

۱- **حضور شهود به‌عنوان ناظران بی‌طرف:** یکی از مهم‌ترین دلایل لزوم حضور شهود در عقد نکاح، نقش آن‌ها به‌عنوان ناظران بی‌طرف است. در فقه اسلامی و قوانین بسیاری از کشورها، به‌ویژه در افغانستان، حضور شهود نه تنها به‌عنوان یک ضرورت شرعی، بلکه به‌عنوان یک نظارت

اجتماعی و حقوقی پذیرفته شده است. در این چارچوب، شاهدان نه تنها به عنوان گواهی دهندگان در نظر گرفته می‌شوند بلکه به عنوان ناظران بی‌طرف نیز عمل می‌کنند. شهادت شهود به عنوان ناظران بی‌طرف، اطمینان خاطر برای طرفین عقد و همچنین برای جامعه به وجود می‌آورد که عقد نکاح به طور صحیح و مطابق با اصول قانونی و شرعی انجام شده است. این موضوع به ویژه در صورتی که یکی از طرفین عقد در آینده اقدام به انکار عقد یا ایجاد شبهه در خصوص صحت آن نماید، به عنوان یک ابزار قانونی و شرعی برای اثبات واقعیت کاربرد خواهد داشت. علاوه بر این، شهادت شهود به عنوان یک رکن اساسی در جلوگیری از بروز اختلافات حقوقی و اجتماعی در آینده مؤثر است. (قاضی زاده، ۱۳۹۰: ۵۸)

۲- حفظ حقوق زوجین: یکی از اصلی‌ترین دلایل اهمیت حضور شهود در عقد نکاح، حفظ حقوق طرفین قرارداد ازدواج است. عقد نکاح از مهم‌ترین قراردادهایی است که افراد در طول زندگی خود انجام می‌دهند و در نتیجه، صحت آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. شهادت شهود در عقد نکاح موجب می‌شود که در صورت بروز هر گونه اختلاف یا انکار یکی از طرفین، امکان اثبات وقوع عقد وجود داشته باشد. در مواردی که یکی از طرفین از وقوع عقد خودداری کند یا آن را انکار نماید، شهادت شهود می‌تواند به عنوان یک دلیل قطعی برای اثبات صحت عقد مورد استفاده قرار گیرد. (قاضی زاده، ۱۳۹۰: ۵۵)

از جانب دیگر ازدواج یک عقد است که بعد از انعقاد نتایج و آثاری به بار می‌آورد که هرگاه ازدواج اعلان نشده و مردم از آن اطلاع حاصل نمایند در صورت امتناع زوجین از رعایت حقوق و وجایب یکدیگر، مکلف ساختن آنها به این امر دشوار خواهد بود. و هم اثبات موضوع زناشویی در صورت بروز اختلاف میان زوجین مشکل خواهد بود (علی‌الخصوص جامعه افغانی که ثبت ازدواج در اینجا بسیار نادر و حتی ثبت ازدواج بین مردم هیچ عادت نیست). (هیت ناروی، ۱۳۹۸: ۲۱)

در این راستا، قرآن کریم نیز به طور صریح بر لزوم گواهی شهود در عقد ازدواج تأکید کرده است. در سوره طلاق، آیه ۲ آمده است: *{وَأَشْهِدُوا ذَوَىٰ عَدْلٍ مِّنكُمْ}* [طلاق: ۲]. که به معنای شهادت دو نفر عادل از شما در عقد ازدواج است. این آیه نشان می‌دهد که شهادت برای صحت عقد نکاح ضروری است و در نتیجه، از حقوق هر دو طرف در برابر دیگران حمایت می‌کند. در فقه حنفی نیز، شهادت دو شاهد عادل برای اثبات وقوع عقد از ضروریات عقد نکاح محسوب می‌شود و بدون آن، عقد فاقد اعتبار خواهد بود.

۳- جلوگیری از اتهامات و شبهات: حضور شهود در عقد نکاح علاوه بر نقش اثباتی، به عنوان یک ابزار پیشگیرانه برای جلوگیری از اتهامات و شبهات اخلاقی نیز عمل می‌کند. در جوامع اسلامی، حفظ پاکدامنی و شفافیت روابط میان افراد از اهمیت بالایی برخوردار است. یکی از پیامدهای منفی نبود شهود در عقد ازدواج، امکان به وجود آمدن شبهات اخلاقی و اجتماعی است که می‌تواند اعتبار و حیثیت زوجین را به خطر اندازد.

در واقع، حضور شهود به عنوان گواهان عادل، ضمن تایید صحت عقد، از بروز هرگونه شائبه یا اتهام در خصوص روابط پنهانی و نامشروع جلوگیری می‌کند. به ویژه در جوامع سنتی که مسائل اخلاقی

و اجتماعی از حساسیت بالایی برخوردار است، عدم حضور شهود ممکن است موجب شود که روابط زوجین به‌طور غیرمستقیم به رابطه‌ای غیرقانونی یا مشکوک تعبیر گردد. شهادت شهود به‌طور خاص موجب می‌شود که افراد از سوء تفاهمات و اتهامات ناشی از روابط غیررسمی یا پنهانی دور بمانند و اعتبار اجتماعی خود را حفظ کنند. (خراسانی، ۱۳۹۱: ۱۹۰)

به دلیل عقلی نیز می‌توان گفت هرگاه در عقد ازدواج شهود موجود نبوده و مردم از وقوع نکاح میان مرد و زن آگاهی حاصل نمایند، موجبات سوء ظن و بدگمانی را فراهم می‌سازد. به این معنی که اگر یک مرد و زن به قسم مشروع با هم نزدیک شده و عقد نکاح را منعقد نمایند اما مردم از این امر آگاهی نداشته باشند هر نوع رفت و آمد، مباشرت و نشست و برخاست آنها را مردم با بدگمانی و سوء ظن نگریسته و زمینه‌ای برای معرفی شدن چنین زن و مرد به حیث عناصر فاسد جامعه، مساعد می‌گردد. (هیت ناروی، ۱۳۹۲: ۸۸)

۴- اشتهار نکاح در جامعه: حضور شهود در عقد نکاح نه تنها به‌عنوان یک ضمانت اجرایی برای اثبات عقد عمل می‌کند، بلکه به‌طور عمده به اشتهار و اعلان نکاح در جامعه کمک می‌کند. یکی از اهداف اصلی شهادت شهود، اشاعه نکاح در جامعه و جلوگیری از روابط پنهانی است. در جوامع اسلامی، ازدواج یک قرارداد عمومی است که باید در میان افراد جامعه شناخته شده باشد. بنابراین، حضور شهود باعث می‌شود که نکاح به‌صورت عمومی شناخته شود و از روابط غیررسمی و پنهانی که ممکن است با خطرات و مشکلات اجتماعی همراه باشد، جلوگیری گردد. (موسوی، ۱۳۹۲: ۲۹)

در فقه اسلامی، به‌ویژه در مذهب حنفی، علنی بودن عقد ازدواج و اشتهار آن در جامعه به‌عنوان یکی از ویژگی‌های اصلی عقد به شمار می‌آید. در این مذهب، علاوه بر لزوم حضور دو شاهد عادل، اعلام عقد ازدواج به‌صورت علنی نیز تأکید شده است تا از بروز روابط پنهانی و غیرقانونی جلوگیری شود. این مسأله نه تنها از لحاظ شرعی بلکه از منظر اجتماعی نیز بسیار حائز اهمیت است، چرا که روابط پنهانی معمولاً با مشکلات مختلف حقوقی، اخلاقی و حتی امنیتی همراه است (ابن عابدین، ۱۳۷۵: ۳۹)

در قانون مدنی افغانستان نیز به‌طور مشابه به این مسئله پرداخته شده است. طبق ماده ۷۲ این قانون، عقد نکاح باید با حضور دو شاهد عادل صورت گیرد و در صورتی که عقد بدون شهادت شهود صورت گیرد، از لحاظ قانونی بی‌اعتبار خواهد بود. این تأکید قانونی بر حضور شهود در عقد نکاح در راستای جلوگیری از روابط غیررسمی و اشتهار نکاح در جامعه است تا از بروز مشکلات اجتماعی و حقوقی جلوگیری شود. (میرسلیم، ۱۳۸۷: ۷۷)

۵- جنبه‌های حقوقی و اجتماعی حضور شهود: حضور شهود در عقد نکاح علاوه بر جنبه‌های شرعی، جنبه‌های حقوقی و اجتماعی نیز دارد. از لحاظ حقوقی، شهود در عقد ازدواج می‌تواند در صورت بروز مشکلات حقوقی یا دعوی حقوقی میان زوجین، به‌عنوان شاهدین رسمی برای اثبات وقوع عقد عمل کنند. در مواقعی که یکی از طرفین عقد، ادعا کند که عقد ازدواج به‌درستی انجام نشده یا از طرف دیگری انکار شود، شهادت شهود می‌تواند در محاکم قضائی به‌عنوان شاهد معتبر

برای تایید وقوع عقد مورد استفاده قرار گیرد. از جنبه اجتماعی، حضور شهود باعث می‌شود که عقد ازدواج به‌عنوان یک توافق عمومی در نظر گرفته شود و در نتیجه از وقوع روابط غیرقانونی و مشکوک جلوگیری گردد. در واقع، نکاح به‌عنوان یک عقد شرعی و قانونی، باید در کانون توجه جامعه باشد و شهادت شهود در این راستا به‌عنوان یک ابزار برای ثبت رسمی و قانونی عقد شناخته می‌شود. این مسأله نه تنها به‌طور مستقیم به حقوق زوجین کمک می‌کند، بلکه باعث حفظ نظم اجتماعی و جلوگیری از روابط نامشروع در جامعه می‌شود. (خراسانی، ۱۳۹۱: ۱۹۸)

۶- تأثیر حضور شهود در حفظ سلامت اجتماعی: حضور شهود در عقد نکاح به‌طور غیرمستقیم به حفظ سلامت اجتماعی کمک می‌کند. روابط خانوادگی و اجتماعی در جوامع اسلامی بسیار مهم است و ازدواج به‌عنوان یک پیوند شرعی و قانونی باید به‌طور شفاف و علنی انجام شود تا هیچ‌گونه ابهامی در مورد رابطه میان زوجین وجود نداشته باشد. از این رو، حضور شهود نه تنها از لحاظ شرعی و حقوقی، بلکه از منظر اجتماعی نیز به‌عنوان یک وسیله برای حفظ سلامت جامعه و جلوگیری از بحران‌های خانوادگی و اجتماعی محسوب می‌شود.

شهادت در عقد ازدواج از منظر فقه حنفی

از آنجایی که شهادت یکی از شروط صحت عقد نکاح است و بدون آن عقد معتبر نخواهد بود و این مطلب بنا بر نصوص وارده در قرآن و سنت مطلق است، چنانچه عمران بن حصین (رضی الله عنه) روایت می‌کند که رسول اکرم (صلی الله علیه و سلم) گفت: « لَا نِكَاحَ إِلَّا بِوَلِيِّ وَشَاهِدَيْ عَدْلٍ ». ترجمه: نکاحی که بدون ولی و دو شاهد عادل انجام شود صحیح نیست». (سیغانی، ۱۳۹۷: ۱۰۳)

در فقه حنفی، شهادت در عقد ازدواج از شروط صحت عقد به شمار می‌رود. فقه حنفی با استناد به احادیث نبوی تأکید دارد که حضور حداقل دو شاهد عادل برای صحت عقد الزامی است. این شرط به‌منظور جلوگیری از ازدواج‌های پنهانی و تضمین ثبت عقد در جامعه وضع شده است.

شرایط شهود در عقد نکاح

به اتفاق مذاهب چهارگانه اهل سنت و جماعت شهادت از شروط صحت نکاح است. پس نکاح بدون حضور دو نفر شاهد عادل غیر از ولی که مضمون کلام عاقدین را بشنوند و متوجه بشوند، صحیح نخواهد بود. و به صورت شهادت از راه دور به وسیله تلفن و ویدیو کنفرانس و غیره جایز نیست (نذیر، ۱۳۹۴: ۸۰)

فقه‌های حنفی برای شهود در عقد نکاح شرایط خاصی را مقرر کرده‌اند تا اعتبار شهادت آن‌ها برای صحت عقد تأیید گردد. این شرایط به‌طور کلی به‌منظور اطمینان از صحت و اعتبار عقد نکاح، جلوگیری از وقوع اشتباهات یا تردیدهای قانونی و شرعی، و نیز حفظ عدالت اجتماعی تعیین شده است. مهم‌ترین شرایط شهود در عقد نکاح به‌شرح زیر است:

۱. عقل و بلوغ

اولین شرط برای پذیرش شهادت شهود در عقد نکاح، عقل و بلوغ آن‌ها است. به‌عبارت دیگر، شاهدان باید از نظر عقلانی توانایی درک و تمییز امور را داشته باشند و باید به سن بلوغ رسیده

باشند تا بتوانند شهادت بدهند. در فقه حنفی، کسانی که هنوز به سن بلوغ نرسیده‌اند و یا فاقد عقل کامل هستند، از لحاظ قانونی و شرعی شایستگی شهادت ندارند. این شرط به‌ویژه در زمینه‌های حقوقی و شرعی برای تضمین صحت و اعتبار شهادت بسیار حائز اهمیت است. بالغ و عاقل بودن شاهدان، چون شهادت نوع ولایت علی‌الغیر بوده و باید شخصی که شهادت می‌دهد شروط نوع ولایت علی‌الغیر در وی متحقق باشد، بنابر این شهادت صبی و مجنون به دلیل عدم صحت ولایت شان بر دیگران، درست نمی‌باشد (نایل، ۱۳۹۶: ۶۵)

فقه‌های حنفی بر این باورند که برای اینکه شهادت یک شاهد در عقد نکاح پذیرفته شود، او باید قادر به درک مفاهیم و اراده خود باشد. این شرط به‌ویژه در مواردی که عقد نکاح با شرایط خاصی همراه است، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به‌عنوان مثال، در مواردی که یکی از طرفین عقد به دلیل فقدان عقل یا بلوغ از انجام عقد نکاح درک صحیحی نداشته باشد، نمی‌توان برای صحت عقد بر شهادت چنین شاهدانی تکیه کرد. این نکته در کتاب‌های فقهی حنفی به‌وضوح بیان شده است. (عبداللهی، ۱۳۹۰: ۲۵۰)

۲. اسلام

شرط دیگر برای پذیرش شهادت شهود در عقد نکاح، اسلام آن‌ها است. به‌عبارت دیگر، شاهدان باید مسلمان باشند، زیرا در فقه حنفی، شهادت غیرمسلمان در عقد نکاح پذیرفته نمی‌شود. این شرط به‌منظور حفظ همگونی دینی در مسائل خانوادگی و جلوگیری از بروز اختلافات دینی در آینده تعیین شده است.

فقه حنفی به‌شدت بر همسانی دین میان طرفین عقد نکاح تأکید دارد و یکی از دلایل آن این است که مسلمان بودن شاهدان می‌تواند اطمینان ایجاد کند که شهادت آن‌ها مطابق با اصول و احکام اسلامی است. به‌ویژه در عقد نکاح، که موضوعاتی چون حقوق زن و مرد، ارث، و طلاق مطرح می‌شود، شهادت یک مسلمان از لحاظ شرعی و دینی معتبر است. از سوی دیگر، در صورتی که شاهد غیرمسلمان باشد، ممکن است در مواردی که موضوعات مذهبی مطرح است، نتواند به‌طور صحیح و مطابق با اصول اسلامی گواهی دهد. (غنی زاده، ۱۳۹۴: ۱۳۸)

۳- آزادی

به نزد جمهور فقه‌ها شاهدان باید آزاد باشند بنابراین شهادت برده پذیرفته نمی‌شود؛ زیرا عقد نکاح دارای اهمیت ویژه است و دیگر این که شهادت نوعی ولایت است و برده برخود ولایت ندارد پس بر دیگران چطور می‌تواند که ولایت داشته باشد. اما فقه‌های حنبلی می‌گویند که مقبول است و نفی آن در قرآن و سنت و اجماع ثابت نشده است. انس بن مالک (رضی الله عنه) می‌گوید: فکر نمی‌کنم که کسی شهادت برده را رد نموده باشد و الله متعادل شهادت برده مسلمان را بر سایر ملت‌ها در روز آخرت می‌پذیرد پس چطور شهادت وی در اینجا پذیرفته نمی‌شود؟ و شهادت برده مسلمان مشروط بر اینکه عادل و مورد اعتماد باشد در روایت حدیث از رسول الله صلی الله علیه و سلم پذیرفته می‌شود پس چگونه در اینجا پذیرفته نمی‌شود؟ آنچه در شهادت معیار است

۱ اعتماد بر شاهد است پس اگر برده عادل و مورد اعتماد باشد گواهی وی پذیرفته خواهد شد. (نذیر، ۱۳۹۴: ۸۱)

۴- عدالت

به نزد جمهور فقهاء شاهدان نظر به حدیث «لانکاح الا بولی و شاهدی عدل» باید عادل باشند. پس نکاح با حضور شاهدان فاسق منعقد نمی شود و دیگر اینکه شهادت به منظور تکریم عقد نکاح قانون گذاری شده است و شخص فاسق از اهل اهانت است. بنابراین، نکاح با حضور اهل اهانت تکریم نمی شود. اما به نزد فقهای حنفی عدالت در شاهدان شرط نیست، بناً عقد نکاح با حضور شاهدان عادل و فاسق انعقاد می یابد؛ زیرا شهادت نوعی تحمل است و فاسق از اهل تحمل می باشد و دیگر این که شهادت نوعی ولایت است و فاسق از اهل ولایت می باشد و این نظر شیعه امامیه نیز است؛ زیرا شهادت به نزد آنان شرط صحت عقد نیست، بلکه مستحب می باشد (نذیر، ۱۳۹۴: ۸۱)

عدالت در اینجا به معنای پایبندی شاهد به اصول اخلاقی و دینی است، به طوری که شاهد از انجام گناهی که موجب بی اعتباری شهادت می شود، خودداری کرده باشد. برخی از فقیهان حنفی، عدالت شهود را به عنوان شرط اساسی برای صحت عقد نکاح مطرح کرده اند. اما ابوحنیفه، امام مذهب حنفی، در این خصوص دیدگاه متفاوتی دارد. او معتقد است که عدالت گواهان برای صحت عقد ازدواج ضروری نیست و هر کسی که شرایط عمومی ولایت ازدواج را داشته باشد، می تواند شهادت دهد.

ابوحنیفه بر این باور است که چون عقد نکاح یک قرارداد و توافق اجتماعی است، مهم ترین عامل در صحت آن، توافق ارادی طرفین و رضایت آن ها است. از این رو، حتی اگر شاهدان مرتکب گناهی چون دروغگویی یا اشتباه در گواهی شوند، در صورتی که به طور کلی توانایی گواهی بر عقد نکاح را داشته باشند، شهادت آن ها پذیرفته می شود. این دیدگاه باعث می شود که در فقه حنفی، عدالت گواهان به طور مستقیم بر صحت عقد تأثیر نگذارد، بلکه شرایط عمومی دیگری که برای عقد لازم است، کافی است تا عقد ازدواج به عنوان یک عمل معتبر شناخته شود. یکی از مباحث مورد اختلاف بین فقهای اسلامی، تعداد شهود لازم برای صحت عقد است. در فقه حنفی، حضور دو شاهد عادل الزامی است، در حالی که برخی از مذاهب دیگر مانند مالکیه و شافعیه شرایط متفاوتی دارند. همچنین، موضوع شهادت زنان در عقد ازدواج نیز مورد بحث است. از نظر حنفیه، حضور زنان به عنوان شاهد کافی نیست، چرا که عقد ازدواج از عقود غیرمالی محسوب می شود و در این موارد شهادت زنان معتبر نیست. (خراسانی، ۱۳۹۱: ۱۹۶)

شهادت در عقد ازدواج در قانون مدنی افغانستان

قانون مدنی افغانستان به عنوان مرجع اصلی تنظیم روابط خانوادگی، به ویژه در موضوع عقد نکاح، به طور دقیق شرایط و ضوابطی را برای صحت و نفاذ این عقد تعیین کرده است. یکی از این شرایط، حضور شهود در مراسم عقد است که به منظور تضمین صحت و قانونی بودن ازدواج و همچنین حفظ حقوق طرفین و جامعه، مورد تأکید قرار گرفته است.

قانون مدنی افغانستان در مورد لزوم شهود در بند ۲ ماده «۷۷» حکم می کند که در هنگام عقد ازدواج باید دو شاهد دارای اهلیت حاضر باشند تا ازدواج بتواند به صورت مشروع انعقاد یافته و آثار حقوقی به بار آورد.

ماده ۷۷ قانون مدنی افغانستان به طور روشن بیان می کند که یکی از شرایط لازم برای صحت عقد نکاح و نفاذ آن، حضور دو نفر شاهد است. این ماده بیان می کند که برای عقد نکاح، علاوه بر ایجاب و قبول صحیح از طرفین، حضور شهود نیز ضروری است. به عبارت دیگر، حتی اگر طرفین عقد ازدواج همه شرایط قانونی را رعایت کرده باشند، اما حضور شاهدان در عقد نباشد، عقد نکاح از لحاظ قانونی صحیح نخواهد بود.

این ماده به طور خاص به این نکته اشاره دارد که شهادت شهود در عقد نکاح از جنبه های مختلفی حائز اهمیت است. نخستین جنبه آن، اعتبار قانونی است که شهود به عقد می دهند. شهود با حضور خود در مراسم عقد، به عنوان ناظران بی طرف، به طور غیرمستقیم بر صحت و اعتبار این عقد گواهی می دهند. در صورت بروز هرگونه اختلاف یا انکار در آینده، شهادت این شهود می تواند به عنوان یک دلیل معتبر برای اثبات وقوع عقد مورد استفاده قرار گیرد. (عبدالله، ۱۳۹۲: ۱۹۱)

شرایط شهود در قانون مدنی افغانستان

قانون مدنی افغانستان در خصوص شرایط شهود در عقد نکاح به طور دقیق و مشخصی بیان کرده است که برخی ویژگی ها باید در شهود رعایت شود تا شهادت آن ها از لحاظ قانونی معتبر باشد. این شرایط بر اساس اصول مختلف حقوقی، شرعی و اجتماعی وضع شده اند تا از صحت عقد نکاح و جلوگیری از وقوع مشکلات قانونی در آینده اطمینان حاصل شود. در این بخش، به طور جزئی به تحلیل شرایط شهود در عقد نکاح خواهیم پرداخت و به هر یک از این شرایط با ارجاع به مواد قانونی مربوطه اشاره خواهیم کرد.

اول) اهلیت شهود (عقل و بلوغ): در ماده ۳۹ قانون مدنی چنین تعریف گردیده است (سن رشد هیجده سال مکمل شمسی می باشد شخص رشید در حالت صحت عقل در اجرای معاملات دارای اهلیت حقوقی کامل شناخته می شود). به اساس حکم ماده متذکره لازم است که شخص شاهد، صاحب اهلیت پنداشته شود و باید سن رشد، یعنی ۱۸ سالگی را تکمیل کرده و در نتیجه اهلیت لازم را برای معاملات حقوقی دارا باشد، علاوه بر این باید روحاً سالم، رشید و از صحت عقل برخوردار باشد. طبق حکم ماده « ۳۹ » قانون مدنی، شهود باید دارای اهلیت حقوقی کامل باشند. هم چنان لازم است که شاهدان شنوا بوده و مفهوم سخنان طرفین را بدانند. و این جواز دارد که شاهدان ازدواج کور، فاسق و اولاد زوجین یا از یکی از آنها نباشند. اما شهادت گنک و کر، خواب و مست در عقد ازدواج، صحیح نمی باشد، به خاطریکه این طبقه اشخاص قادر به بیان و درایت نمی باشند. (رهنمای حقوق خانواده، ص ۸۹)

بر اساس قانون مدنی افغانستان، اولین شرط برای پذیرفته شدن شهادت شهود در عقد نکاح، عقل و بلوغ آن ها است. این شرط به منظور اطمینان از درک کامل شهود از ماهیت عقد نکاح و تعهدات

حقوقی و اجتماعی مرتبط با آن است. در قانون مدنی افغانستان، به‌ویژه در ماده ۷۷، تصریح شده است که شهود باید عاقل و بالغ باشند. این شرط به‌این معنا است که شاهدانی که فاقد بلوغ یا عقل کامل هستند، نمی‌توانند شهادت دهند، زیرا توانایی درک صحیح و شفاف از مفاهیم عقد نکاح را ندارند.

طبق ماده ۶۱ قانون مدنی افغانستان، در عقد نکاح باید شهودی حضور داشته باشند که از نظر عقلی و سنی قادر به درک موضوع عقد باشند. این شرط به‌ویژه در مواردی که ممکن است یکی از طرفین عقد تحت فشار یا در شرایط خاصی قرار گیرد، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. برای مثال، در صورتی که شهودی کودک یا فردی باشد که از نظر عقلی قادر به تمییز صحیح مفاهیم نیست، شهادت وی از اعتبار قانونی برخوردار نخواهد بود.

دوم) تعداد شهود: قانون مدنی در بند «۲» ماده «۷۷» حکم می‌کند که در هنگام عقد نکاح باید دو شاهد با اهلیت حاضر باشند. اینکه آیا شهود مؤنث یا مذکر باشند قانون مدنی ساکت است؛ اما به اساس حکم فقره «۴» ماده «۳۲۱» قانون اصول محاکمات مدنی نصاب و شرایط شهود تابع احکام شریعت اسلام می‌باشد از احکام فقه اسلامی نتیجه بدست می‌آید که منظور دو مرد و یا یک مرد و دو زن می‌باشد. (رهنمای حقوق خانواده: ۱۳۸۹: ۸۹)

سوم) تعلقات دینی شهود: اگر عروس و داماد پیرو دین اسلام اند، شهود باید نیز مسلمان باشند. هرگاه زن اهل کتاب (زنی که پیرو یک کتاب آسمانی است)، با یک مرد مسلمان ازدواج نماید جواز دارد که شاهدان نیز اهل کتاب باشند.

در قانون مدنی افغانستان، برخلاف برخی از کشورهای دیگر، شرط مسلمان بودن شهود به‌صراحت ذکر نشده است. این نکته نشان‌دهنده تسامح قانونی در پذیرش شهادت افراد غیرمسلمان در عقد نکاح است. در واقع، در قانون مدنی افغانستان هیچ‌گونه تصریحی در مورد لزوم مسلمان بودن شهود وجود ندارد و این امر انعطاف‌پذیری خاصی به‌قانون داده است تا در صورتی که طرفین عقد نکاح و شهود آن‌ها از اقلیت‌های دینی باشند، شهادت آن‌ها نیز معتبر باشد.

در این زمینه، برخلاف فقه اسلامی و قوانین برخی کشورهای اسلامی که شهادت غیرمسلمان در عقد نکاح را پذیرا نیستند، قانون مدنی افغانستان به‌گونه‌ای تنظیم شده که به افراد غیرمسلمان نیز اجازه می‌دهد در صورتی که شرایط دیگر شهود را داشته باشند، شهادت دهند. این امر در قالب شرایط کلی برای صحت عقد نکاح در قانون مدنی افغانستان مطرح شده است که شهود باید شرایطی مانند عقل، بلوغ، و جنسیت را رعایت کنند و در صورت رعایت این شرایط، شهادت آنان معتبر است.

این دیدگاه قانونی نشان‌دهنده رویکرد انعطاف‌پذیر و تسامح‌آمیز نظام حقوقی افغانستان در مسائل دینی و مذهبی است و به‌نوعی بر همزیستی مسالمت‌آمیز اقلیت‌های دینی در جامعه تأکید دارد. البته باید توجه داشت که در مورد شرایط دینی و مذهبی در عقد نکاح، مسائلی مانند تطابق

قوانین داخلی با اصول فقهی و شرعی مورد توجه قرار می‌گیرد و در موارد خاص، ممکن است نظرات فقهی نیز تأثیرگذار باشد.

پنجم) جنسیت: یکی دیگر از شرایط مهم برای پذیرش شهادت شهود در عقد نکاح، جنسیت آنان است. طبق ماده ۶۱ قانون مدنی افغانستان، برای صحت عقد نکاح، باید دو شاهد مرد یا یک مرد و دو زن حضور داشته باشند. این ترکیب به منظور تضمین دقت و صحت شهادت و همچنین رعایت اصول قانونی و شرعی مربوط به عقد نکاح تعیین شده است. در این زمینه، قانون مدنی افغانستان به طور خاص به این نکته اشاره دارد که در عقد نکاح باید شاهدانی از جنسیت‌های مختلف حضور داشته باشند تا شهادت با دقت و به طور شفاف صورت گیرد.

این شرط در خصوص حضور زنان در عقد نکاح، معمولاً به عنوان یک ضمانت برای صحت و دقت شهادت مطرح می‌شود. در مواردی که شهادت یک زن به تنهایی کافی نباشد، به عنوان شاهد دوم از یک زن دیگر استفاده می‌شود تا صحت و دقت شهادت تأمین گردد. بر اساس ماده ۶۱ قانون مدنی افغانستان، حضور دو شاهد مرد یا یک مرد و دو زن به عنوان شرایط لازم برای عقد نکاح ضروری است. این شرط در حقوق افغانستان و سایر کشورها به منظور اطمینان از جلوگیری از فساد احتمالی در شهادت‌ها و همچنین حمایت از حقوق زن و مرد در نظر گرفته شده است.

ششم) حضور شاهد به منظور گواهی در قرارداد

حضور شهود در عقد نکاح به طور خاص برای گواهی بر صحت انجام معامله است. در قانون مدنی افغانستان، علاوه بر شرایط خاص برای شهادت شهود، به صورت کلی تصریح شده است که حضور شاهد به منظور اطمینان از صحت عقد نکاح و جلوگیری از بروز اختلافات احتمالی در آینده الزامی است. این نکته در ماده ۷۷ قانون مدنی افغانستان به طور غیرمستقیم بیان شده است. این ماده به صراحت به لزوم حضور دو نفر شاهد برای صحت عقد نکاح اشاره دارد تا از صحت و اعتبار قانونی عقد نکاح اطمینان حاصل شود.

حضور شهود به عنوان گواهی‌کننده در این عقد موجب می‌شود که در صورت بروز هرگونه اختلاف در آینده، شهادت آنان در محاکم قضائی مورد پذیرش قرار گیرد. بنابراین، حضور دو نفر شاهد برای عقد نکاح نه تنها از جنبه شرعی و قانونی معتبر است، بلکه از جنبه اجتماعی و حقوقی نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. این امر به ویژه در مواردی که یکی از طرفین عقد از پذیرش عقد یا وقوع آن خودداری کند، بسیار ضروری و مؤثر خواهد بود.

در کنار شرایط خاصی که برای شهود در قانون مدنی افغانستان مشخص شده است، برخی شرایط کلی نیز وجود دارند که برای پذیرش شهادت شهود در عقد نکاح لازم است. به طور کلی، شاهد باید در شرایطی آزاد و بدون هیچ‌گونه فشار یا تهدید شهادت دهد. همچنین، شاهد باید از نظر اخلاقی و قانونی به عنوان فردی معتبر شناخته شود که هیچ‌گونه گناهی از نظر شرعی و قانونی بر او وارد نباشد. شهادت شهود باید به طور دقیق و شفاف در هنگام عقد ارائه شود تا از هرگونه سوء تفاهم و اختلاف جلوگیری شود.

تفاوت‌ها و شباهت‌های فقه حنفی و قانون مدنی افغانستان

در بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های فقه حنفی و قانون مدنی افغانستان در خصوص حضور شهود در عقد نکاح، می‌توان به نکات مهمی اشاره کرد که از منظر حقوقی و شرعی در هر دو نظام تفاوت‌ها و شباهت‌های قابل توجهی وجود دارد. این بررسی می‌تواند به روشن‌تر شدن نحوه تنظیم و اجرای قانون در زمینه عقد نکاح در افغانستان و نحوه تطابق آن با اصول فقه حنفی کمک کند.

شباهت‌ها

لزوم حضور شهود در عقد نکاح یکی از شباهت‌های اصلی میان فقه حنفی و قانون مدنی افغانستان، تأکید بر لزوم حضور شهود در عقد نکاح است. هر دو نظام حقوقی بر این نکته تأکید دارند که عقد نکاح بدون حضور شهود معتبر نیست. در هر دو فقه حنفی و قانون مدنی افغانستان، حضور شهود برای ضمانت صحت عقد و جلوگیری از بروز اختلافات و سوءتفاهمات در آینده ضروری است.

در فقه حنفی، حضور دو شاهد عادل و مسلمان الزامی است تا صحت عقد نکاح تأیید شود. این تأکید به‌ویژه در آیاتی از قرآن کریم همچون آیه ۲ سوره طلاق (وَأَشْهِدُوا ذَوَىٰ عَدْلٍ مِّنْكُمْ) آمده است. در همین راستا، قانون مدنی افغانستان نیز در ماده ۷۷ تصریح دارد که برای صحت عقد نکاح باید دو نفر شاهد حضور داشته باشند، که این مورد بر لزوم حضور شهود در عقد تأکید دارد.

تفاوت‌ها

تعداد و ترکیب شهود یکی از تفاوت‌های مهم بین فقه حنفی و قانون مدنی افغانستان در خصوص حضور شهود، تعداد و ترکیب شهود است. در فقه حنفی، برای صحت عقد نکاح حضور دو شاهد مرد مسلمان الزامی است. این به معنی آن است که در فقه حنفی تنها شهادت دو مرد مسلمان معتبر است و در صورت نبود دو مرد مسلمان، عقد نکاح به‌طور قانونی پذیرفته نمی‌شود.

اما در قانون مدنی افغانستان، حضور دو شاهد مرد یا یک مرد و دو زن نیز کافی است. این تفاوت به این معناست که قانون مدنی افغانستان بر اساس پاره‌ای از اصول دینی و اجتماعی خود، حضور زنان را نیز به‌عنوان شاهد در عقد نکاح پذیرفته است. این امر به‌ویژه در شرایطی که تعداد مردان شاهد به حد کافی نباشد، انعطاف‌پذیری بیشتری را در نظر گرفته است.

شرط مسلمان بودن شهود در فقه حنفی، شرط مسلمان بودن شهود در عقد نکاح به‌طور قاطع و صریح آمده است. به عبارت دیگر، فقط شهادت مردان مسلمان پذیرفته می‌شود و هیچ‌گونه انعطاف‌پذیری برای شهادت غیرمسلمانان وجود ندارد. این موضوع از دیدگاه فقهی و دینی اهمیت زیادی دارد و با توجه به اصول شریعت، به‌ویژه در مسائل خانواده و ازدواج، رعایت این شرط الزامی است.

در حالی که در قانون مدنی افغانستان، در خصوص شرط مسلمان بودن شهود، سکوت شده است. قانون مدنی افغانستان هیچ‌گونه تصریحی بر لزوم مسلمان بودن شهود در عقد نکاح ندارد و حتی می‌تواند پذیرش شهادت افراد غیرمسلمان را در عقد نکاح مجاز بداند. این تفاوت، انعطاف‌پذیری

بیشتری در تفسیر و اجرای قوانین در افغانستان ایجاد کرده و به اقلیت‌های مذهبی این امکان را می‌دهد که در عقد نکاح خود از شهود غیرمسلمان نیز استفاده کنند.

تأثیر تفاوت‌ها در اجرای عملی قوانین

تفاوت‌های ذکر شده می‌تواند در برخی موارد به تعارضات یا اختلافاتی در اجرای عملی قوانین منجر شود. به‌عنوان مثال، در مناطقی که اکثریت جمعیت به پیروی از فقه حنفی زندگی می‌کنند، ممکن است بر شرط مسلمان بودن شهود تأکید بیشتری شود و در نتیجه، تنها شهادت مسلمانان پذیرفته شود. این موضوع ممکن است با قوانین مدنی افغانستان که سکوت کرده و شرایط دقیق‌تری برای پذیرش شهادت غیرمسلمانان قائل نیست، تضاد داشته باشد.

در این موارد، ممکن است مردم و مقامات محلی در تفسیر و اجرای صحیح قوانین با چالش‌هایی روبه‌رو شوند. به‌ویژه در مناطق چندفرهنگی و متنوع از نظر مذهبی، افراد از اقلیت‌های مذهبی می‌توانند با دشواری‌هایی در تأسیس عقد نکاح مواجه شوند، زیرا شهود غیرمسلمان آن‌ها ممکن است مورد قبول فقه حنفی قرار نگیرد، اما از نظر قانون مدنی افغانستان ممکن است معتبر باشد.

نتیجه‌گیری

در این تحقیق، تفاوت‌ها و شباهت‌های فقه حنفی و قانون مدنی افغانستان در خصوص حضور شهود در عقد نکاح مورد بررسی قرار گرفت. بررسی این تفاوت‌ها و شباهت‌ها نشان می‌دهد که هرچند این دو نظام حقوقی اهداف مشابهی را در نظر دارند، اما در برخی جنبه‌ها تفاوت‌های چشمگیری دارند که تأثیرات قابل توجهی بر روی اجرای عملی قوانین و رویه‌های اجتماعی دارد. این نتایج می‌تواند به‌ویژه در زمینه تعاملات قانونی و اجتماعی در افغانستان و سایر مناطق با اکثریت مسلمان و اقلیت‌های مذهبی، حائز اهمیت باشد.

اولین نکته‌ای که در بررسی تفاوت‌های میان فقه حنفی و قانون مدنی افغانستان برجسته می‌شود، اهمیت حضور شهود در عقد نکاح است. هر دو نظام حقوقی بر این نکته تأکید دارند که شهود در عقد نکاح نه تنها به‌عنوان گواهانی برای ثبت و تثبیت عقد عمل می‌کنند، بلکه حضور آن‌ها به‌عنوان یک عامل نظارتی بی‌طرف، از تضییع حقوق طرفین جلوگیری می‌کند. حضور شهود، در حقیقت، از لحاظ شرعی و قانونی به‌عنوان یک عامل حیاتی برای تأسیس صحت و مشروعیت عقد نکاح مورد تأکید قرار گرفته است.

با وجود شباهت‌های فراوان در اصول کلی، تفاوت‌هایی در جزئیات و شرایط شهود وجود دارد که می‌تواند تأثیرات قابل توجهی در نحوه اجرایی شدن قوانین در افغانستان داشته باشد. یکی از این تفاوت‌ها، تعداد و ترکیب شهود است. در فقه حنفی، تنها شهادت دو مرد مسلمان پذیرفته می‌شود، اما در قانون مدنی افغانستان، امکان حضور یک مرد و دو زن یا دو مرد در عقد نکاح وجود دارد. این تفاوت به‌ویژه در مناطقی که ساختار اجتماعی و مذهبی خاصی دارند، می‌تواند موجب تفسیر متفاوت از مفهوم "شهادت" و "صلاحیت شهود" شود.

در مورد شرط مسلمان بودن شهود، فقه حنفی به‌طور قاطع و روشن شرط مسلمان بودن را برای شهود الزامی می‌داند، اما در قانون مدنی افغانستان، در این خصوص سکوت شده است. این تفاوت

می‌تواند در محیط‌هایی که پیروان مذهب‌های مختلف و اقلیت‌های دینی در آن زندگی می‌کنند، موجب سردرگمی شود. در این مناطق، امکان پذیرش شهادت افراد غیرمسلمان می‌تواند برخی از مشکلات اجتماعی و مذهبی را به‌وجود آورد، زیرا ممکن است جامعه به‌ویژه در مناطقی که پیروان فقه حنفی غالب هستند، این پذیرش را نپذیرد.

این تفاوت‌ها ممکن است در زمینه‌های مختلف مانند عقد نکاح بین اقلیت‌های مذهبی و مسلمانان، عقد نکاح در مناطقی با جمعیت مختلط یا حتی در مواردی که طرفین از مذاهب مختلف هستند، منجر به اختلافات قانونی و اجتماعی شود. بنابراین، در برخی شرایط، لازم است که مقامات قانونی و مذهبی برای تعیین مشروعیت عقد و شهادت شهود، با دقت بیشتری قوانین را تفسیر کنند.

تفاوت در شرایط شهود می‌تواند بر نحوه اجرای عملی عقد نکاح نیز تأثیرگذار باشد. در مناطقی که در آن فقه حنفی به‌طور غالب مورد پیروی است، شرایط مربوط به شهود ممکن است به‌شدت مورد تأکید قرار گیرد و اجرای این شرایط می‌تواند در تضاد با رویه‌های مدنی قرار گیرد که به‌طور خاص بر پذیرش شهود غیرمسلمان تأکید دارد. این تضاد می‌تواند موجب تشدید مشکلات در پیاده‌سازی قانون و پذیرش آن در برخی نواحی شود.

در این زمینه، یکی از چالش‌های عملی که ممکن است در اثر این تفاوت‌ها ایجاد شود، مسئله انطباق و هماهنگی میان قانون و عرف‌های مذهبی است. در حالی که قانون مدنی افغانستان بر اصول عمومی تأکید دارد، فقه حنفی ممکن است در موارد خاص به‌ویژه در زمینه‌های خانوادگی و مذهبی بر اجرا و اعمال دقیق‌تر احکام خود پافشاری کند. این موضوع می‌تواند باعث بروز اختلافات در موارد حقوقی و اختلافات فردی میان طرفین عقد شود، به‌ویژه زمانی که یکی از طرفین از اقلیت‌های مذهبی باشد.

این تفاوت‌ها همچنین می‌تواند در مراحل دادگاهی و رسیدگی به دعاوی خانوادگی نقش مؤثری داشته باشد. به‌عنوان مثال، در صورتی که در مراحل مختلف رسیدگی به عقد نکاح و یا درخواست‌های مربوط به طلاق، یکی از طرفین به‌ویژه در موارد اختلافات مذهبی دچار شک و تردید شود، تفسیر متفاوت از شرایط شهود ممکن است موجب بروز اختلافات پیچیده‌تری در جریان رسیدگی قضائی شود.

همچنین، تفاوت‌ها در نحوه پذیرش شهادت شهود در این دو نظام حقوقی می‌تواند به‌ویژه در مناطق مرزی و نواحی که فرهنگ‌های مختلف در آنجا با یکدیگر تداخل دارند، مشکلاتی را در زمینه اجرای قوانین خانوادگی به‌وجود آورد. این امر نشان‌دهنده نیاز به بروز انعطاف‌پذیری بیشتر در نظام حقوقی افغانستان است تا برای شرایط خاص اجتماعی، مذهبی و فرهنگی کشور، راه‌حل‌های عملی و دقیق‌تری ارائه شود.

در نتیجه، باید به این نکته توجه داشت که هرچند تفاوت‌های موجود میان فقه حنفی و قانون مدنی افغانستان در خصوص شهود عقد نکاح می‌تواند به‌طور موقت مشکلاتی را در زمینه اجرای قوانین به‌وجود آورد، اما در صورتی که مقامات قضائی و مذهبی افغانستان با همکاری و تعامل

بیشتر، هم‌راستایی‌های قانونی و اجتماعی را در نظر بگیرند، می‌توانند به یک توازن مناسب در این زمینه دست یابند. این توازن نه تنها به‌طور دقیق‌تری مسائل قانونی را حل می‌کند، بلکه به افزایش همبستگی اجتماعی و دینی در افغانستان نیز کمک خواهد کرد.

در پایان، بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های میان فقه حنفی و قانون مدنی افغانستان نشان می‌دهد که درک صحیح از هر دو نظام، همراه با درک نیازهای اجتماعی و مذهبی کشور، می‌تواند به راهکارهای مؤثری برای بهبود اجرای قوانین و تسهیل فرآیندهای حقوقی کمک کند. به‌ویژه در مسائل مهم و حساس خانوادگی که ممکن است در آن‌ها تضادهای دینی و مذهبی به‌وجود آید، لازم است که قوانین به‌طور دقیق‌تری بر اساس نیازها و شرایط جامعه تطبیق یابند تا از بروز بحران‌ها و اختلافات جلوگیری شود.

پیشنهادات

۱. پیشنهاد می‌شود که مقامات قانونی افغانستان در زمینه عقد نکاح، قوانین مدنی را با فقه حنفی تطبیق داده و شرایط دقیق‌تری برای شهادت افراد غیرمسلمان تعیین کنند.
۲. برگزاری برنامه‌های آموزشی برای قضات و وکلا به‌منظور آشنایی با تفسیر صحیح قوانین خانواده و عقد نکاح.
۳. تعیین معیارهای مشخص برای پذیرش شهادت افراد غیرمسلمان در عقد نکاح، با رعایت حقوق اقلیت‌ها و اصول فقهی.
۴. تدوین آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی شفاف برای تسهیل فرآیند عقد نکاح و نظارت بر صحت اجرای آن.
۵. برگزاری برنامه‌های فرهنگی و آموزشی برای ارتقای آگاهی عمومی در خصوص شرایط عقد نکاح و نقش شهود.

مآخذ

- [۱] قرآن کریم
- [۲] ابن عابدین، شمس‌الدین (۱۳۷۵). *الفقه الحنفی و أدلته*. تهران: انتشارات دارالفکر.
- [۳] جعفری لنگرودی، محمود. (۱۳۸۹). *دانشنامه فقه اسلامی*. تهران: نشر میزان.
- [۴] جنتی، علی. (۱۳۹۱). *تحلیل فقهی عقد نکاح در مذاهب اسلامی*. تهران: دارالکتب الاسلامی.
- [۵] حیدری، حسین. (۱۳۹۳). *مفهوم و آثار شهادت در عقد نکاح*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- [۶] خراسانی، عبدالرحمن. (۱۳۹۱). *فقه مقارن و تطبیقی*. تهران: انتشارات فقهی.
- [۷] سلیمانی، سید جواد. (۱۳۸۴). *فقه اسلامی و حقوق مدنی افغانستان*. کابل: نشر افغان.
- [۸] سیغانی، میرزاگل. (۱۳۹۷). *حقوق فامیل (احلال ازدواج و آثار حقوقی آن)*. کابل: انتشارات حامد رسالت.
- [۹] سیوطی، جلال‌الدین. (۱۳۸۴). *الفقه علی المذاهب الاربعه*. تهران: دارالسلام.
- [۱۰] عارفی، محمد بصیر. (۱۳۸۹). *ازدواج اسلامی*. بلخ: انتشارات ثقافت.
- [۱۱] عبدالله، نظام‌الدین. (۱۳۹۲). *حقوق فامیل*. کابل: انتشارات سعید.
- [۱۲] عبداللهی، محمد. (۱۳۹۰). *شهادت در فقه اسلامی و حقوق مدنی*. مشهد: نشر احسان.
- [۱۳] عدالتخواه، عبدالقادر. (۱۳۹۴). *حقوق فامیل*. کابل: پوهنتون کابل.
- [۱۴] غنی‌زاده، محسن. (۱۳۹۴). *مبانی حقوقی ازدواج در فقه حنفی*. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- [۱۵] فایز، عبدالبصیر. (۱۳۸۸). *حقوق فامیل*. کابل: انتشارات سعید.
- [۱۶] قادری، عبدالرزاق. (۱۳۹۵). *آراء فقهی و قضائی در عقد نکاح*. تهران: انتشارات شریف.
- [۱۷] قاضی زاده، حسین. (۱۳۹۰). *تفسیر قوانین مدنی افغانستان در عقد نکاح*. کابل: نشر واژه.
- [۱۸] موسوی، محمد. (۱۳۹۲). *اسلام و حقوق خانواده*. تهران: انتشارات تحقیقگاه علوم انسانی.
- [۱۹] میرسلیم، محمد. (۱۳۸۷). *مبانی فقهی عقد نکاح*. تهران: انتشارات اسلامی.
- [۲۰] نایل، عبدالقادر. (۱۳۹۶). *حقوق فامیل در فقه و قانون*. کابل: انتشارات تمدن شرق.
- [۲۱] نذیر، داد محمد. (۱۳۹۵). *حقوق فامیل در شریعت اسلامی و قانون مدنی افغانستان*. کابل: انتشارات سعید.
- [۲۲] هیئت ناروی برای مهاجران. (۱۳۸۹). *رهنمای حقوق خانواده در افغانستان*. کابل: هیئت ناروی.
- [۲۳] وزارت عدلیه. (۱۳۵۸). *قانون مدنی*. جریده رسمی. کابل: مطبعه دولتی.